

تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه های اسلامی

سعید ملکی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده علوم زمین و GIS دانشگاه شهید چمران اهواز

مهیار سجادیان

دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز

mahyarsajadian@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1394/8/10

تاریخ پذیرش: 1394/12/17

چکیده

مسکن به عنوان یکی از پدیده های واقعی، از نخستین مسائلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و همواره در تلاش برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن است؛ از سوی دیگر، بخش اعظمی از ساخت و سازهای درون شهری مربوط به این نوع کاربری می باشد. به همین دلیل رویکرد اتخاذ شده برای طراحی آن بر روی کل شهر اثر گذاشته و دارای جنبه اجتماعی بارزتری می باشد. بنابراین در شهر اسلامی باید اصول و معیارهای طراحی خانه از منظر اسلام در مراحل مختلف کار مدنظر قرار گیرد و یا به عبارتی ساختارها با کارکردهای مورد نظر دین مبین اسلام منطبق باشد. اما مسئله این است که با توجه به اهمیت موضوع کمتر به این مهم پرداخته شده است؛ امر مهمی که این پژوهش بر آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل محتوای پنهانگر اسناد حاصل از مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و مصاحبه با خبرگان به آن پردازد. بر اساس یافته های تحقیق، ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه های اسلامی را در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد می توان در کنار سایر تقسیم بندی ها مورد تدقیق قرار داد. در انتها نیز بر اساس یافته های تحقیق راهکارهایی پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: ساختارها، کارکردها، مسکن، آموزه های اسلامی، خانه

مقدمه

انسان به مقتضای نیازهای گوناگونش، در تلاش برای رفع هر کدام از نیازهاست. در اولویت بخشی به نیازهای انسان (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۷)؛ مسکن از نیازهای اولیه هر انسان (مرادی ناصرخانی، ۱۳۹۲، ۶) و یکی از اساسی ترین نیازهای طبیعی وی پس از غذا می باشد (مظلوم خراسانی، ۱۳۹۰، ۱۳۲). این اصل در میان تمام حیوانات نیز صادق است (کامران و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۶). لذا مسکن به عنوان یکی از پدیده های واقعی و دومین نیاز بشر پس از غذا، از نخستین مسائلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و همواره در تلاش برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن بوده است (قنبری، ۱۳۹۰، ۳۴) (جوزی و جعفری نسب، ۱۳۹۳، ۶۰۳). در این راستا، بشر از ابتدای خلقت تلاش داشته تا با حداقل امکانات و با سکنی گزیدن در مکانی، خود و اعضاء خانواده را از گزند سرما، گرما، جانوران و هموعان حفظ نماید (شکرگزار، ۱۳۸۵، ۲).

پس، مسکن به صورت یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده کانون زندگی فرد (تولون، ۱۳۷۴، ۵۶) یک نیاز است، اما نه هر مسکنی. آنچه ایده آل آدمی است، دسترسی به مسکنی با کیفیت مناسب است (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۷۵). فضای مسکونی باید بتواند شرایط لازم را برای رشد فردی هر یک از افراد خانواده اعم از خرد و بزرگ فراهم آورد. یعنی هر یک از افراد خانه باید قادر باشند بر حسب نیازهای روحی و روانی و علائق خود، فضای مناسب و حریم لازم را برای انجام فعالیت ها و کسب آسایش و آرامش بیابند. در عین حال فضای مسکونی باید بتواند محیط لازم را برای برقراری رابطه خانوادگی و همبستگی آن و حفظ کیان خانواده ایجاد کند (اقبالی و حصاری، ۱۳۹۲، ۵۴). بی تردید اولین خاطرات و تجارب انسان در خانه به وجود می آید که نقش موثری در جهان بینی هر انسان و در نتیجه، جهان بینی جامعه دارد؛ بنابراین نمی توان مفاهیم، الگوها و کالبد مسکن را جدا از جهان بینی حاکم بر جامعه متصور شد.

اسلام آئین حق الهی است و آخرین و کامل ترین و بهترین دین در تامین سعادت بشری و جامع ترین در تامین مصالح دنیوی و اخروی انسان هاست. بنابراین آیا چنین دینی می تواند نسبت به مسکن به عنوان دومین نیاز اساسی بشر سکوت اختیار کرده باشد؟ واقعیت آن است که دین مبین سکوت اختیار ننموده و در موارد بسیار به این امر مهم اشاره نموده است؛ که در پژوهش هایی از جمله تحقیقات صورت گرفته توسط جبل

عاملی و همکاران (1391)، ستاری ساریانقلی (1395)، سیفیان (1377)، نرتضی هشام (1387)، اخوت (1391)، نقره کار (1387)، وثیق و همکاران (1388)، بمانیان (1386)، مسائلی (1388)، ابوالقاسمی (1383)، عکاش (1387)، بمانیان و همکاران (1392)، پیرنیا و معاریان (1390)، حاجی قاسمی (1383)، سلیم حکیم (1381)، منجزی و رفیعی (1389)، وثیق (1395)، ستاری ساریانقلی و ولی زاده اوغانی (1392)، اخوت و همکاران (1389)، بهشتی (1386)، سیفیان (1376)، علی آبادی و هاشمی طغرالجردی (1389)، گرابار (1384)، معاریان و همکاران (1389)، مهدوی نژاد (1383)، وثیق و پشتوتنی زاده (1388)، سعیدیان جزئی (1394)، فیاض انوش و سنائی راد (1391)، امین پور و همکاران (1394)، بمانیان (1391)، صارمی (1390)، نصر (1384) قابل دستیابی است. اما مسئله این تحقیق آن است که کمتر به ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه های اسلامی در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد به صورت منسجم پرداخته شده است، مسئله ای که در صورت عدم توجه کافی و کاربردی به آن می تواند سایر تلاش های صورت گرفته در این زمینه را ابر باقی گذارد. بنابراین این پژوهش با توجه به مطالب بیان شده، به دنبال پاسخگویی به سوال زیر می باشد:

■ آیا می توان مبتنی بر آموزه های اسلامی، در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد؛ ساختارها و کارکردهای اساسی مسکن مطلوب اسلامی را استخراج نمود؟

تبیین ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

تبیین ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش از دو دیدگاه مکمل قابل طرح است؛ ابتدا از نظرگاه اهمیت ماهوی مسکن و پرداختن به آن از دو دیدگاه کمی و کیفی و سپس از نظرگاه اسلام. در دیدگاه نخست، اصولاً از دیرباز نیاز به سرپناه برای بشر مهمترین کالایی است که تامین آن سهم متناهی از درآمد عامه مردم را به خود مشغول می دارد (احمدی، ۱۳۸۷، ۲۲). اما در مجموع نکات اساسی که در اهمیت مسکن، آن هم مسکن مناسب، گفته شده است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ مسکن عامل اصلی جامعه پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین کننده ای دارد (Short, 2000, 199).
- ✓ مسکن ارزنده ترین جلوه رابطه انسان با محیط به شمار می رود (بهنروز، 1356، 1).
- ✓ با توجه به اینکه بخش مسکن ارتباط وسیعی با دیگر بخش های تولیدی و خدماتی اقتصاد دارد هر حرکتی در بخش مسکن سریعاً به دیگر بخشهای اقتصادی کشور سرایت کرده و می تواند موجب رکود و یا رونق آنها گردد (دژیسند و محتوی، 1393، 78) و می تواند به عنوان موتور رشد و قطب توسعه در اقتصاد عمل کند (نصرالهی و آزاد غلامی، 1392، 16).
- ✓ در تمامی اقتصادهای دنیا اعم از اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه، مسکن بخش مهم و عمده ای از ثروت خانوارها را تشکیل می دهد (خسروی نژاد و فتحی، 1391، 142).
- ✓ بخش عمده ای از سطح شهرها به کاربری مسکونی اختصاص یافته است. در شهرهای کوچک بیش از 60 درصد سطح شهر و در شهرهای بزرگ حدود 40 درصد از اراضی شهر زیر پوشش مسکن می باشد (کشور دوست و همکاران، 1392، 97).
- ✓ درش غالب کشورها، ساختمان بیش از نیمی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی را شامل می شود که در آن سهم مسکن به تنهایی حدود 20 تا 50 درصد است. سهم مسکن از تولید ناخالص داخلی از 2 تا 10 درصد در کشورهای مختلف جهان متفاوت می باشد (جعفری صمیمی و همکاران، 1386، 32).
- ✓ بررسی ها نشان می دهد که فعالیت حدود 120 رشته در ارتباط با بخش ساختمان است (حیدری و سوری، 1389، 66).
- ✓ مهمترین عامل تاثیرگذار در میزان رضایتمندی فرد از سکونت در یک منطقه و نوع زندگی خویش، مسکن و شرایط محیطی آن است (Weataway, 2006, 187).
- ✓ مسکن در برآوردن هر یک از نیازهای اساسی انسان همچون نیازهای زیستی، نیازهای اقتصادی، نیازهای اجتماعی و حتی نیازهای فرهنگی و روانی نقش ویژه ای دارد (قاسمی اردهائی و رستمعلی زاده، 1391، 68).

- ✓ یافته های اپیدمیولوژیک وابستگی بالایی بین وضعیت مسکن و اثرات بهداشتی آن بر سلامت انسان را نشان می دهد (Bonnefoy, 2003, 1559)
- ✓ امروزه مسکن و مسائل مربوط به آن یک مسئله جهانی است و برنامه ریزان و سیاستگذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه حل هایی برای حل مسائل مربوط به آن می باشند (Buckley, Kalarikal, 2005, 237)
- ✓ مسکن جزء اصلی ساختار فضایی شهر است که در روند توسعه پایدار شهری نقش اساسی ایفا می کند و شناخت کامل نسبت به آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است (نشاط و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۴۸).
- ✓ مسکن به عنوان یک کالای بادوام و پرهزینه، از تنوع جایگزینی زیادی برخوردار نیست. همچنین مسکن فقط برای رفع نیاز مصرفی نیست بلکه کالایی سرمایه ای هم است و در حقیقت نوعی پس انداز به شمار می آید. به خصوص هنگام تورم و رشد قیمت ها، احداث یا خرید مسکن تدبیری موثر برای تثبیت دارایی است و یک نوع سرمایه گذاری مطمئن برای خانوارها - و حتی اشخاص حقوقی، به خصوص صندوق های بازنشستگی - به حساب می آید (بان، ۱۳۸۸، ۱۵۹).
- ✓ مسکن دارای ویژگی های خاصی است که این کالا را با سایر کالاهای مصرفی و سرمایه ای متفاوت می کند. اولین ویژگی آن دوجبهی بودن کالای مسکن است که هم دارای خصیصه مصرفی است و هم به عنوان دارایی با آن برخورد می شود. علت اینکه مسکن نوعی دارایی است با دوام بودن این کالا و استهلاک بسیار پائینی است که دارد. برای مثال «جین و زنگ» (2003) نرخ استهلاک ساختمان را 0/015 برآورد کردند در حالی که همین نرخ را برای سایر سرمایه ها 0/065 تخمین زدند. بنابراین از یک طرف تحت تاثیر شوک های اقتصادی قرار می گیرد و از طرفی به دلیل اینکه بخش عظیمی از تشکیل سرمایه ناخالص هر اقتصادی را شکل می دهد موجب بروز شوک به اقتصاد می شود (اکبری و یار محمدیان، ۱۳۹۱، ۲۴۰).
- ✓ شاید بتوان اهمیت مسکن در سعادت افراد و خانوارها را در تقابل با وضعیت زندگی بی خانمان ها سنجید. آنها در معرض خطرات بسیار زیادی از قبیل امراض روحی و فیزیکی، سوء مصرف مواد مخدر، جنایت و غیبت همیشگی بچه ها در رفتن به مدرسه قرار دارند (پرهیز و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۰).

✓ مسکن به عنوان تسهیل کننده در جهت کاهش فقر چند بعدی در سطح جامعه عمل نموده و می تواند کاهش دیگر شاخص های فقر چند بعدی را در سطح جامعه در پی داشته باشد (شیروانیان و بخشوده، ۱۳۹۱، ۱۰۲).

بنابراین، در مجموع، در بعد کلان؛ عملکرد مسکن در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به ویژه از نظر نقش آن در ایجاد اشتغال و جریان سرمایه و سرانجام ایجاد رفاه و آسایش روانی و فکری جامعه اهمیت خاصی یافته و در بعد خرد نیز دستیابی به مقوله عمران (شهری و روستایی) به عنوان عنصری مهم از پیکره اقتصادی، لزوم توجه به امر مسکن را ضروری می سازد (قنبری، ۱۳۸۹، ۶۵).

در این راستا، به سبب اهمیت موضوع، در قوانین بین المللی به ویژه در مبحث یازدهم پیمان نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق داشتن مسکن مناسب به عنوان یکی از اساسی ترین نیازها برای هر فرد و خانواده برای زندگی با عزت انسانی شناخته می شود (Frimpong, 2001, 1). در ایران به موجب اصلی سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، داشتن مسکن متناسب حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شده است و دولت موظف شده با رعایت اولویت ها برای آنها که نیازمند تر هستند به خصوص روستا نشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۰).

اما علیرغم همه اینها، مسئله مسکن در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، حادث شده است؛ که علاوه بر مشکلات کمی، مشکلات کیفی - از جمله عدم توجه به ایدئولوژی و عرف حاکم بر کشور - نیز بر مشکلات مسکن این گونه مشورها سایه انداخته است.

عدم توجه به انسان، نحوه کار، شیوه زندگی، خواسته ها و تجارب او در طراحی مسکن امروز و روی آوردن به معماری وارداتی، پائین آمدن کیفیت زندگی مسکونی، از بین رفتن حیات، سرزندگی، تحرک، بحران مسکن و همچنین، بحران حس تعلق و هویت را به همراه داشته است (عسگری رابری و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۷۸). که بسیاری از عوارض ریشه در عدم توجه به مبانی ارزشی اسلام و گسست با گذشته است؛ توضیح آنکه مسکن نیازی است که در محیط های طبیعی و انسان ساخت پاسخ های متفاوتی داشته است و هر جامعه به فراخور نیازها و امکانات و محدودیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش بدان شکل خاصی بخشیده است، لذا

گسست از گذشته، و عدم توجه به اسلام در کشور به عنوان جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر روح انسانهای یک جامعه، یعنی مواجه شدن با لبه تاریکی.

خداوند متعال یکی از اهداف بعثت انبیاء را زندگی و حیات در تمام ابعادش می شمارد. نیز در باب حجت و دلیل گفته اند معصوم قولش، فعلش و تقریرش حجت و اسوه اقتدا و متابعت است، هم در عقائد حقه و اصول دین و هم در اخلاق و صفات و هم در افعال، متابعت و اقتدا به رسول الله (ص)، بر امت واجب و لازم است. اندیشه و آموزه های اسلامی در باب مسکن دارای ویژگی های منحصر بفردی است که حصول آنها می تواند سبب رسیدن به حیات طیبه و کمال مطلوب در فضاهای زیستی بشر و موقعیت توامان مالی و معنوی شهروندان گردد (امین پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۸). این زمانی ارزش دوچندان می یابد که این رهنمودها و آموزه ها در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد در قالبی نشأت یافته از تعامل ساختارها و کارکردهای مسکن مطلوب اسلامی ارائه گردد. در این راستا، کمال مطلوب آن خواهد بود که رهیافتهای این پژوهش در موارد زیر مورد استفاده واقع گردد:

1- فراهم آوردن چارچوب لازم برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در مسکن و نظارت بر آن

2- ارزیابی نتایج حاصل از سیاستهای مختلف مسکن

مبانی نظری تحقیق

سکونت از ریشه «سکن» به مفهوم آرام و قرار است. واژه های هم خانواده سکونت شامل، مسکن (آرام بخش)، تسکین (دلداری داردن و آرام کردن)، ساکن (کسی که در جایی قرار و آرام گرفته است)، سکونت (استقرار در مکانی که فراتر از مسکن است و در حد مفهوم فضایی محله، روستا و شهر)، اسکان (مستقر کردن، مستقر شدن)، مسکون (ساکن شده، مستقر شده)، مسکونی (مکانی که در آن خانواده یا افرادی ساکن هستند)، سکینه (اسم مونث، کسی که آرام و قرار دارد) و مسکن (اسم مکانی که در آن گروه و خانواری ساکن هستند) می باشند.

مهمترین واژه های مترادف مسکن در ادبیات ایران شامل سرپناه، خانه، سرا، منزل، بیت، اطاق، چادر، خیمه، آلاچیق، کلبه، سراچه، باب، بنا، خانه سرا، دار، کده و خان است. در این راستا، بر اساس لغت نامه دهخدا، مهمترین مترادف های زیر با مسکن را می توان یافت:

جدول شماره 1- تعدادی از مهمترین مترادف های مسکن بر اساس لغت نامه دهخدا

لغت	معنی	لغت	معنی
منزل	اقامت موقت، محل خوابیدن و آرامش	قرارگاه	جای استراحت
کاشانه	خانه کوچک و محقر	مان	سرا و مسکن
بیت	محل اسکان در شب	مابد	مکان و مسکن
ماوا	جای سکونت و اقامت	منوا	جای آرام
سرا	بنای عالی	مقام	جای اقامت
دار	خانه، محل سکونت	کهنبار	منزل، بیت و بارگاه
کاشان	منزل زمستانی	کاط	خانه کوچک

از بررسی مفهوم دو واژه «سرپناه» و «خانه» که معادل مسکن در نظر گرفته شده می توان نتیجه گرفت مسکن دارای مفهومی محیطی است که معنایی فراتر از سرپناه و خانه دارد و در این مرتبه نیازمند ابزاری است که به پیوند بین زندگی، خانواده و محیط منجر شود (سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ۶).

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را دربر می گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و طرح های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفا فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات لازم برای بهزیستی انسان را شامل می باشد و باید حق تصرف نسبتا طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰۲).

در مقابل ریشه واژه «خانه» آریایی است. چون آریایی ها برای ساختن خانه زمین را می کنند به آن «کند» می گفتند. به تدریج واژه کند به شکل های کد، کده و سپس کند و خند که شکل دیگر آن خانه بود به کار رفت (سرایبی، ۱۳۹۱، ۲۶). در زمینه مفهوم خانه، «کویر مارکوس» (1995) با بیان تجربه ها و نمونه های مختلف به بررسی مفهوم نمادین خانه پرداخته است و بیان می دارد که گونه ای از ارتباطی نمادین میان خود و خانه در ذهن بشر وجود دارد. از این رو، خانه، چیزی بیش از مسکن است. خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله، به عنوان شاخص ترین ساختار در جهت تحکیم مفهوم مکان عمل می کند. در واقع، خانه نمونه ای کوچک از جهان است که با ساختن آن، خود را نیز می سازیم. بنابراین اصول، سازمان دهنده فضا به همان میزان که نشان دهنده حالت کلی انسان هستند، بر ارتباطات میان انسان ها نیز دلالت می کنند. از این رو، شیوه هایی از

زندگی به عرصه بندی و داشتن یک فضای شخصی برای خود وابسته هستند. از این رو، می توان ماهیت دوگانه ای از خصوصی و عمومی بودن را برای خانه در نظر گرفت (کمالی پور و همکاران، ۱۳۹۱، ۶).

روش تحقیق

این پژوهش، در انجام تحقیق خود از روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تحلیل محتوای پنهانگر اسناد حاصل از مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و مصاحبه با خبرگان و درک استنباطی بهره برده است.

یافته های تحقیق و بحث

همان گونه که بیان شد، سکونت، آرامش و قراری است که انسان از تعامل با محیط به دست می آورد و مسکن، ظرف سکونت و جایی برای قرار و آرامش است. جایی است برای یافتن «خود»، «احساس تعلق کردن»، «بازشناسی هستی» انسانی و سکنی گزیدن یعنی در آن واحد تعلق خاطر پیدا کردن به مکان های خاص که قلب انسان در آنجا شکوفا شده است و مغز او به اندیشه می پردازد. اهمیت حقیقی خانه، مکان صلح و سرپناه نه فقط در برابر شداید است، بلکه محلی در برابر ترس، شک و جدایی است. به همین دلیل، خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است چند بعدی (مدنی و شفایی، ۱۳۹۲، ۱۵۴).

بنابراین متخصصین علوم انسانی با رویکردهای متفاوتی به مسکن و ابعاد مختلف کارکردی آن می نگرند. به عنوان مثال، مسکن از دیدگاه اقتصادی «نوعی کالا و سرمایه»؛ از دیدگاه هنری نوعی «نماد»؛ از دیدگاه جامعه شناسانه «نهاد»؛ از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا یا ساختمان»؛ از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان شناختی نوعی «فرهنگ» است که تمام ابعاد را دربر دارد (بهرامی، ۱۳۹۰، ۹۷). در واقع کارکردهای مسکن به عنوان محیط مسکونی از دیدگاههای زیر قابل بررسی است:

1- سرپناه: اولین برداشت از مفهوم مسکن، نیاز به یک سرپناه بهداشتی را مطرح می سازد. سرپناه، مانند غذا یک نیاز اساسی و زیستی است و این حق اجتماعی هر فرد و خانواده است (اهری، ۱۳۷۰، ۹).

2- از دیدگاه اجتماعی: انسان موجودی است اجتماعی که یکی از نیازهای آسایش او تشکیل خانواده است و برای حفاظت از کیان خانواده و مشخص شدن چارچوب خانوادگی، نیاز به مسکن مناسب دارد، مسکنی که به عنوان پایگاه نمادین در محله های شهری، خانه هر خانواده نشانگر پایگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده است

3- از دیدگاه روانی: جامعه محیطی استرس زا و صحنه مبارزه و رویارویی فرد با مسائل و مشکلات زندگی است و ارتباط فرد با محیط پیرامون خالی از رفتارهای روانی و هیجانات و مشکلات عاطفی نیست، بنابراین این فشارها باعث پایین آمدن سطح کارایی فرد، خستگی فکری و مشکلات متعددی می شود که مسکن مناسب می تواند محیطی با آرامش فکری فراهم کند، که انسان را از لحاظ روانی آماده فعالیت آینده کند.

4- از دیدگاه اقتصادی: مسکن نوعی سرمایه گذاری با مفهوم اقتصادی بوده و فرصت های شغلی، دوری و نزدیکی مسکن به محل کار، هزینه رفت و آمد از عوامل اساسی اقتصادی تاثیرگذار بر امر مسکن هستند (بزی و جواهری، 1390، 191).

5- از دیدگاه مشارکت: یکی از کارکردهای مسکن، مشارکت خانواده در اجتماع بزرگتر است. سهم بودن خانوار گسترده در ترکیب مشارکت با دیگر اشکال خانواده اهمیت دارد. ایجاد روابط همسایگی برای شهرنشینان، اثرهای متقابل مهمی به جای می گذارد و روابط اجتماعی همسایگی، یکی از جنبه های آن است.

6- از دیدگاه محیط مسکونی: نیاز به احساس برخورداری از محیط مسکونی مناسب و قرار گرفتن در فضایی سکونتی که به امکانات، تسهیلات، خدمات بهداشتی، مراکز آموزشی، مراکز خرید و فروش، اماکن مذهبی و فرهنگی دسترسی داشته باشد (اهری، 1370).

در این راستا، در دومین اجلاس اسکان بشر (1996)، که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساختهای اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع

زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه این موارد با توجه به استطاعت مردم تامین شود» (پورمحمدی، ۱۳۸۵، ۳). در چنین حالتی است که می تواند کیفیت سکونتی و شاید به تبع آن رضایتمندی سکونتی شکل گیرد؛ البته کیفیت سکونتی ترکیبی از وضعیت جسمی و روحی افراد و رفاه اجتماعی بوده و عمده ترین ویژگیهای محیط عبارتند از (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۸):

- ✓ از ادراک افراد ناشی می شود (یک احساس فردی است)
- ✓ متغیرهایی چون موقعیت اجتماعی، اقتصادی، جنس، سن و غیره در آن دخیل اند.
- ✓ هر یک از ابعاد محیط، ویژگیها و کیفیت های خاص خود را دارند.
- ✓ میزان تاثیر گذاری هر یک از این ابعاد و ویژگیهای محیط باید به صورت یک کلیت در نظر گرفته شود، تا مفهوم محیط به صورت یک کل درک شده در نظر گرفته شود.
- ✓ با رضایتمندی افراد قابل سنجش است.
- ✓ برای سنجش آن از شاخص ها استفاده می شود.

در این بین، تحلیل مسائل کیفی و کمی مسکن از طریق ابزاری صورت می گیرد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص های مسکن مطرح و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند (آقاصفری و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۹). شاخص های مسکن شاید مهمترین و کلیدی ترین ابزار در برنامه ریزی مسکن باشند (ملکی، ۱۳۹۰، ۱۰۳). علی الاصول اهداف بررسی شاخص های مسکن می تواند در قالب موارد ذیل دسته بندی گردند:

- 1) فراهم کردن چارچوب لازم برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در مسکن و نظارت بر آن
- 2) شناخت و تبیین روابط حاکم بر ابعاد مختلف مسکن و ارزیابی نتایج حاصل از سیاستهای مختلف
- 3) پایه گذاری روابط صحیح بین ابعاد مختلف مسکن که می تواند در جهت تبیین سیاستها باشد.
- 4) فراهم کردن ابزار تحلیلی مناسب برای سیاستگذاران و برنامه ریزان با شناخت کامل از تحولات و دگرگونی ها

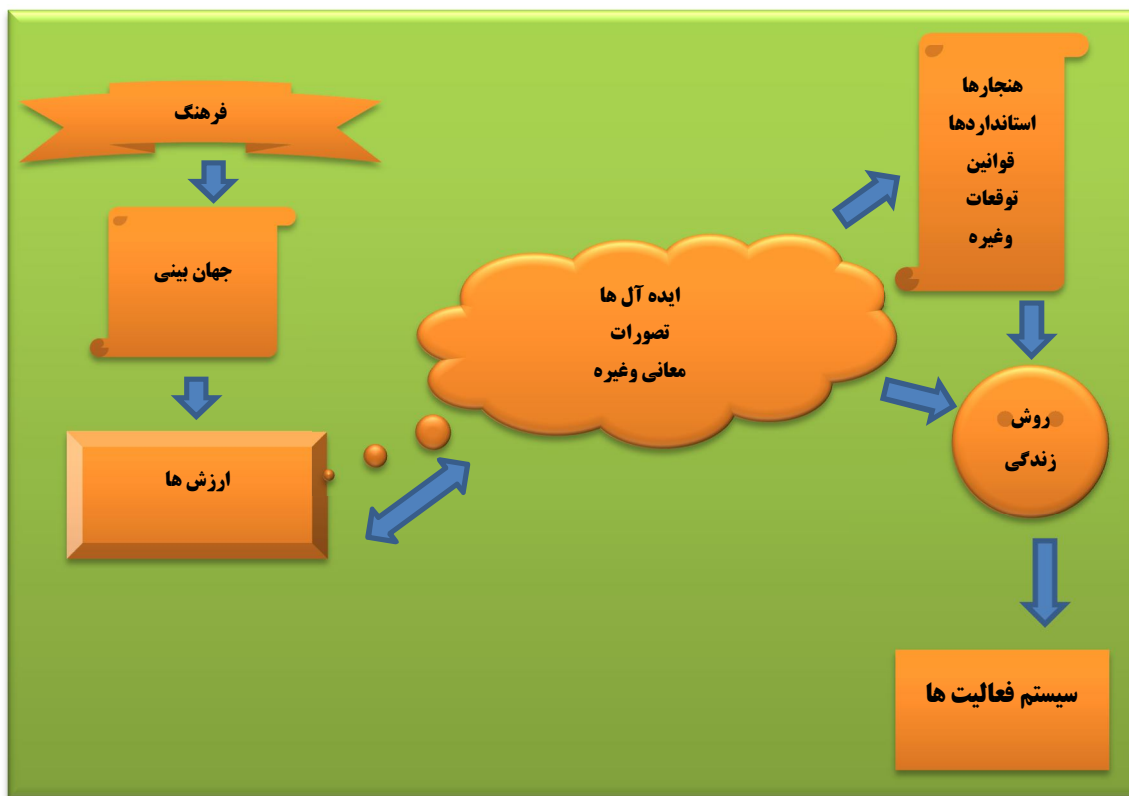
به طور کلی شاخص های مسکن در دو گروه عمده کمی و کیفی دسته بندی می گردند (حکمت نیا و انصاری، 1391) و در چهار دسته اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و کالبدی انسجام می یابند. اما در این بین آنچه مهجور می ماند، مقاهیم فرهنگ و هویت و ارتباط این دو با مسکن است، که بنا به یافته های تحقیق، که در پی خواهد آمد، اهمیت راهبردی از دیدگاه اسلام دارد.

بنا به تعریف «دوارد تایلر» فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که دربرگیرنده دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است. «رالف لیتون» فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می داند که به وسیله اعضای جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و میان افراد مشترک است (خاکپور و شیخ مهدی، 1390، 230). فرهنگ را از جهتی به «فرهنگ مادی» و «فرهنگ معنوی» تقسیم کرده اند. فرهنگ مادی همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه ها و فرآیندهای ساخت و ساز آنها می دانند؛ و فرهنگ معنوی را شامل ارزش ها، باورها، اندیشه ها، دانش و فن ها، دین، آداب و سنت ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فرآورده های ذهنی انسان مطرح می کنند (پوردیهیمی، 1390، 4).

حال اگر به سکونت به معنای واقعیت نهفته در آن پردازیم، درمی یابیم که مسکن با مفهومی گسترده تر از سقفی بر بالای سر انسان به کار می رود. سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می باشد. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی، به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. او اسکان خود و از این طریق نوعی از همدلی قابل اعتماد با انسان های دیگر را برمی گزیند (خاکپور و شیخ مهدی، 1390، 233).

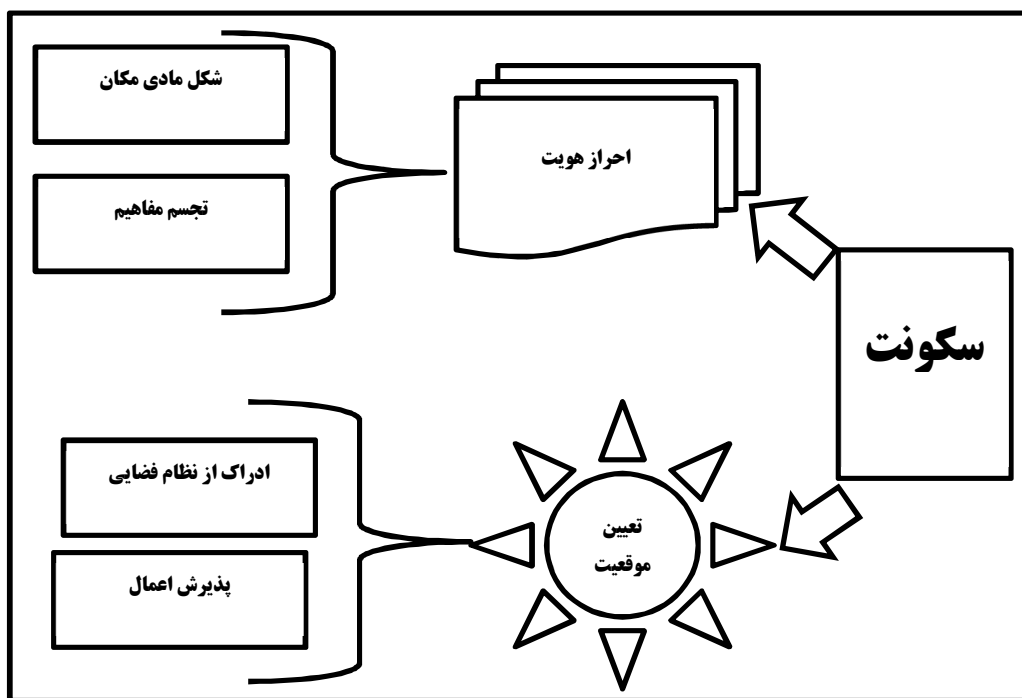
بر این اساس «راپاپورت» در دهه 1970، با هدف آگاهی از ساختار کلی فرهنگ و عوامل تاثیرگذار آن بر محیط های ساخته شده آن را به اجزایی تقسیم می کند، او با آگاهی از این موضوع که تجزیه فرهنگ در سطوح کلی هنوز قابلیت ارتباط با محیط را ندارد پیشنهاد خود را ارائه داده است و اظهار می دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا حدودی ارتقاء می بخشد. در این

روش بخش هایی از محیط با اجزایی از فرهنگ نظیر جهان بینی، ارزش ها، تصورات، هنجارها، روش زندگی و سیستم های فعالیت می تواند در ارتباط نزدیک قرار گیرد (پوردیهمی، ۱۳۹۰، ۱۰).



شکل شماره 1- تجزیه فرهنگ در پاسخ به ماهیت کل نگر آن بنا به تفکرات راپاپورت

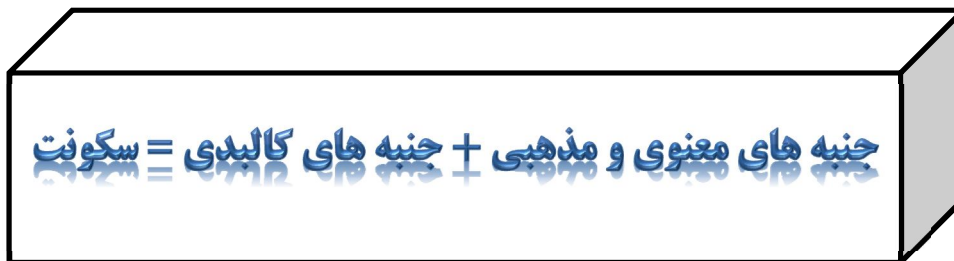
راپاپورت اعتقاد دارد، از گذشته های بسیار دور، مسکن برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن کاملاً مشهود است. از جمله سایر پژوهشگران برجسته که در این زمینه کارهایی انجام داده اند، می توان به شولتز، هایدگر، الکساندر و کوپر اشاره نمود. در این راستا، دیاگرام نگرشهای این چند تن به مفهوم سکونت را به نقل از اخوت و همکاران (1390)، در زیر جهت مقایسه با یکدیگر و نیز با آنچه در پی خواهد آمد، آورده شده است:



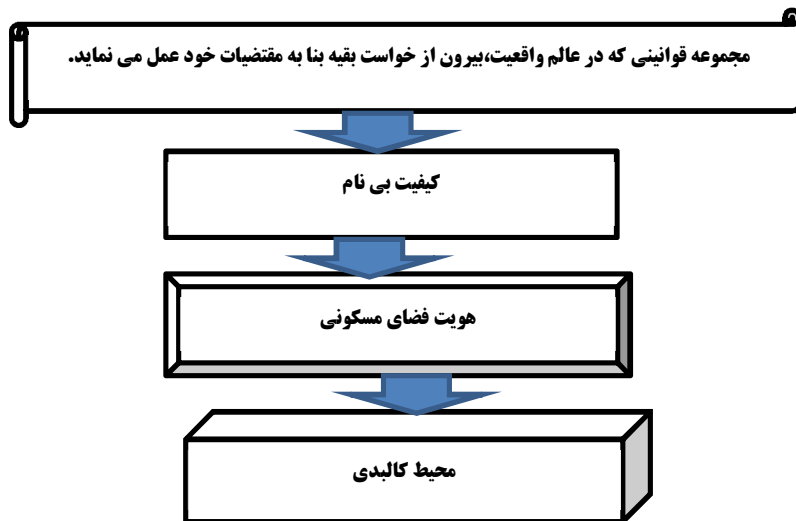
شکل شماره 2- دیاگرام نگرش شولتز به مفهوم سکونت



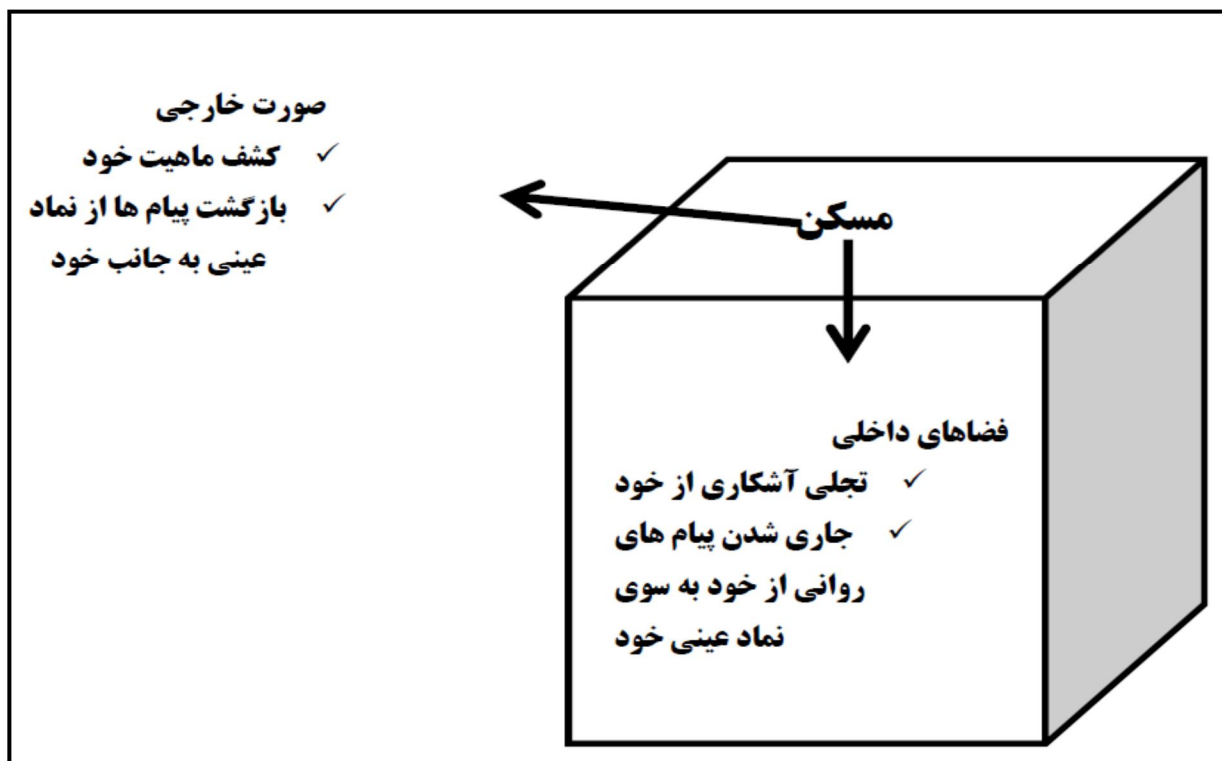
شکل شماره 3- دیاگرام نگرش هایدرگر به مفهوم سکونت



شکل شماره 4- دیاگرام نگرش راپاپورت به مفهوم سکونت



شکل شماره 5- دیاگرام نگرش الکساندر به مفهوم سکونت



شکل شماره 6- دیاگرام نگرش کوپر به مفهوم سکونت

همان گونه که در تمام این دیاگرام ها قابل مشاهده است در مفهوم مسکن و به طور خاص خانه، فرهنگ و در این راستا، هویت جایگاهی ثابت و مستحکم دارد.

واقعیت نیز آن است که خانه مقوله ای از جنس فرهنگ است مه طبیعت و غریزه به زبان کارکردگرایانه و با منطبق مالدینوفسکی (هر یک از اجزای فرهنگ خاصیت و فایده ای دارد و گرنه وجود نمی داشت و خاصیت آنها این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می دهد)، خانه نوعی «نیاز زیستی» است که فرهنگ برای پاسخگویی به این نیاز شکل گرفته است و در کلیت نظام اجتماعی و فرهنگ انسانی ادغام و سازگار شده است. فرهنگ خانه از منظر انسان شناختی «مجموعه ارزش ها و معانی است که چیستی و چگونگی مفهوم مسکن در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می کند». این که مسکن را چگونه بسازیم؟ از چه مصالحی و موادی بهره گیریم؟ چه نمادها و نشانه هایی در آن به کار ببریم؟ درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم؟ چه کارها و فعالیت هایی در آن انجام دهیم یا انجام دادن آنها در خانه را ممنوع کنیم؟ چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم کنیم؟ چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم؟ خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم؟ چه نسبتی بین مسکن و سایر ابعاد اجتماعی برقرار کنیم؟ چه آئین هایی را در درون خانه و کدام را بیرون آن به جا آوریم؟ تمام این مقولات به واسطه فرهنگ در هر جامعه پاسخ داده می شود. فرهنگی که متناسب با تاریخ، جغرافیا و تجربه های یک ملت و قوم شکل می گیرد (فاضلی، ۱۳۸۶، ۳۲).

در این راستا، از دید «هایدگر»، انسان فناشونده است و هرکجا احساس آرامش کند، محل سکونت وی همان جاست. وی می گوید: «انسانهای فانی در حالی سکنی می گزینند که آسمان را چون آسمان پذیرا می شوند، حیاطهایشان را به خورشید و ماه، راههایشان را به ستارگان و برکت ها و سختی هایشان را به فصول سال وا می گذارند؛ البته این گونه تلقی از مسکن ساکن است. انسان دائما و به صورت پیوسته در حال تغییر است و این گونه تغییر در قرآن کریم؛ در سوره همزه، آیه 3 آمده است:

«يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ»

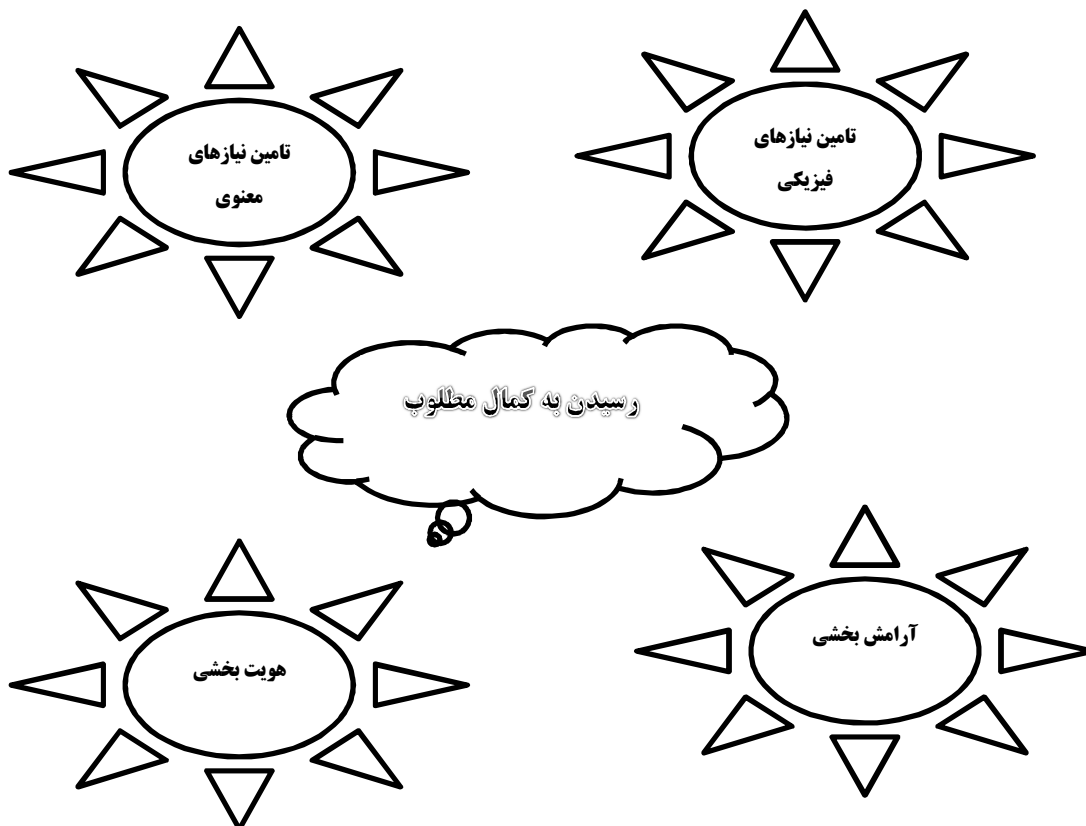
(پندارد که مال و دارایی دنیا عمر ابدش خواهد بخشید)

انسان دینی یک شدن است نه یک بودن. این انسان فناشونده نیست، بلکه در حال شدن و تکامل است و تنها در روز رستاخیز است که به بودن می رسد و قابل تعریف می گردد. لذا مسکن نه به معنای جایی برای ماندن و

بودن، بلکه جایی است برای شدن. بنابراین مسکن به شدن انسان و هویت یافتن او کمک می کند. آرامش هم به معنای رسیدن به آرامش قلبی و رسیدن به قلب مطمئن است.

«لَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ» (آل عمران/126)

انسان زمانی به آرامش می رسد که دارای قلب مطمئن گردد و به کمال الهی رسیده باشد. بنا به قول اخوت و همکاران، هدف غایی انسان کامل، رسیدن به کمال الهی است. بنابراین غایت مسکن او هم باید در این جهت به او کمک رسان باشد.



شکل شماره 7- دیاگرام نگرش اسلامی به مفهوم سکونت (اخوت و همکاران، ۱۳۹۰، ۹۸)

توضیح آنکه، جهان در بینش اسلامی متشکل از ماده، صورت و عدد است که مکان و زمان ظرف حاوی این محتوا بوده که آن را شکل بخشیده و قابل درک می کنند. مکان از این رو واقعیتی است عینی که در قلمروی

آنها اشیاء مادی صورت، فعل و حرکت دارند. اما آنچه هویت دینی مکان را تثبیت می کند، زمینه قدسی آن است. مقدس در اینجا به معنای حضور سرمدی و حضور مرکز کل محیط است؛ لذا مکان مقدس نشانگر حضور ذات سرمدی در محیط انسانی است. عالم خود، انعکاس بازتابهای مکان ازلی است، که در قالب اماکن مختلف دیده می شود. این حلول الهی در قالب صفات و ذات اقدس شکل گرفته است بدین ذصورت که ذات الهی در عوالم دنیوی انعکاس یافته و مفاهیم مکانی را با این اقالیم می توان بازشناخت. بر اساس آن، مکان در اسلام بر اصول خیریت و کمال، مطلقیت و عدم تناهی استوار است که باعث شده تا مکان دارای خصوصیات چگون مرکزیت، امتداد و تجلی الهی باشد.

لذا مکان، فضایی است که در آن اوصاف الهی متجلی شود. تجلی می تواند در یک مفهوم نیز متکثر بوده و از این رو مکان دارای کیفیات متفاوت شده و انسان را قادر می سازد تا هویت های مکانی را با حفظ ذات قدسی مکان به حسب شرایط انسانی درک کرده و بسازد. با این تعریف مکان محل تجلی الهی بوده و عالم صغیره ای است که با عالم کبیره و ماوراء الطبیعه در پیوند قرار می گیرد. تفاوت میان مفاهیم «ملک» و «ملکوت» و ریشه زبانی یکسان با توجه به اطلاق این کلمات به دو دنیای مادی و غیر مادی، جهت گیری اسلامی را درباره مفهوم مکان روشن می سازد. «ملک» به عالم طبیعت و «ملکوت» به عالم لطیف و نفسی دلالت داشته که هر دو از مراتب حضور بوده و مکان را در ساحت الهی و به مثابه محلی برای انعکاس خدا در عالم هستی می سنجد. در این راستا، شاخص هایی چون تسلیم، معناگرایی، مرکزیت و وحدت، سلسله مراتب، عدالت و مساوات، هندسه و تناسب مطرح می گردد (وثیق و همکاران، 1388).

سکونتگاه در قرآن با عباراتی مانند بیت، دیار، دار، مسکن، بنیان، مرصوص، قصر، العماد، عمارت (توبه/19 و روم/9)، عروش، بنا (نحل/26 و صافات/97)، مدینه (اعراف/123). قریه یاد می شود. در قرآن واژه مسکن به معنای جایی که در آن آرامش باشد، آمده است (الانعام/13 و 96) (وثیق و پشوتنی زاده، 1388، 53). همچنین در قرآن در هشت مورد کلمه «دار» به کار رفته و در تمامی این موارد کلمه «دار» به واژه ای دیگر اضافه گردیده و معنایی عمدتاً اخلاقی و ارزشی پیدا کرده است. دارالسلام (یونس/25 و انعام/127)، دارالفاسقین (اعراف/145)، دارالآخره (نحل/30)، دارالمقامه (فاطر/35)، دارالقرار (39) و دارالخلد (فصلت/28). این نوع کاربرد واژه «دار» در قرآن کریم، ذهن را به پذیرش این فرض متمایل می کند که

در لسان قرآن کلمه دار اساسا در مواضعی که اشاره به فضای روحی و فکری و ارزشی حاکم بر محیط زندگی انسان ضرورت پیدا می کند، کاربرد می یابد. از سوی دیگر کلمه «بیت» که به کرات در قرآن کریم به کار رفته است، عمدتا در مواضعی دیده می شود که به کالبد و هیات ظاهری خانه اشاره دارد. به عنوان نمونه «بیت من زخرف» (اسراء/93) و یا بیت وضع للناس (آل عمران/96) و یا بیت العنکبوت (عنکبوت/41) و یا من الجبال بیوتا (شعرا/149). کلمه «مسکن» نیز به گونه ای محدود (سه مورد) در قرآن به کار برده شده است که دو مورد آن با صفت طیبه همراه شده (توبه/71 و صف/12) و بیشتر دلالت بر سکینه و آرامش اخروی انسان دارد و در یک مورد دیگر با اشاره به قوم سبا (سبا/5) و سرنوشت عذاب آور آنان تلقی اسکان و سکونتگاه فیزیکی به ذهن متبادر می گردد (انوش و سنائی راد، ۱۳۹۱، ۳۲۱).

در کل، از دیدگاه اسلام، مسکن (خانه)، از مهمترین نعمت هایی است که تا آن نباشد دیگر امکانات برای بشر گوارا نخواهد بود. چنانچه حضرت علی (ع) فرموده اند: «آگاه باشید ای بندگان خدا، پرهیزگاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند؛ با مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه های دنیا سکونت کردند».

از نظر اسلام، انسان باید در شرایطی زندگی کند که بتواند بهتر عبادت کند و خود را برای زندگی اخروی آماده نماید؛ این گونه نیست که فرد پرهیزگار حتما باید در جایی تنگ و تاریک و محروم از امکانات زندگی کند. قرآن کریم آن لذتی را حرام کرده که آرامش را از آدمی می گیرد و برای او بدبختی و نگرانی به دنبال می آورد (امین پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۹). شاهد آنکه رسول اکرم (ص) فرموده اند: «سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است: همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» و خانه کم وسعت را مذمت می نماید. امام علی (ع) نیز بشارت داده است: «برای خانه شرافت و برکتی است، شرافت آن در وسیع بودن جلو حیات و منزل و صالح بودن خانواده است اما برکت آن در برتری نشیمن گاه، وسعت صحن و حیاط و نیکو بودن همسایه هایش نهفته است». امام صادق (ع) می فرماید: «وسیع بودن منزل از سعادت مرد است و راحتی مومن در فراخی خانه اش می باشد (وثیق و پشوتنی زاده، ۱۳۸۸، ۵۴).

بنابراین مفهوم سکینه در خانه، در اسلام بسیار برجسته بوده، که با توجه به اهمیت وجود آرامش در خانه، پژوهشگران از زوایای متنوع زیر به آن پرداخته اند (امین پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۰):

- ✓ خانه و نظام صلح و آرامش
- ✓ پیوند معنی میان مسجد و خانه
- ✓ مسکن اسلامی تسهیل کننده عبادت
- ✓ خانه مرکز انس و حرم خانواده
- ✓ خانه تصویری از جهان و هستی

بنابراین، می توان با توجه به موارد برشمرده، از جهت دستیابی به کارکردهای مطلوب اسلامی، مسکن را در سه ساحت فاعلی (صدور موجودات بر اساس نظم و هندسه خاص)، داخلی (هرفضا هندسه، شان و کارکرد خاصی دارد) و غایی (هر فضا رو به کمال خاصی دارد) مورد توجه قرار داد، بر این اساس، بنا به قول وثیق و همکارانش (1388)، کارکردهای مسکن در اسلام را می توان در چهار حوزه روانی (آرامش و امنیت)، اجتماعی (مجمع مسلمین)، آئینی (عبادتگاه) و شهری (طهارت) انسجام داد. از جمله مهمترین آموزه های اسلامی در ارتباط با کارکرد اجتماعی و باید و نبایدهای آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- | | |
|----------------------------|---------------------------------------|
| ❖ ذکر الهی در خانه | ❖ حق همسایه (در نهج الفصاحه 32 بار در |
| ❖ صلح رحم (نساء/36) | کلام حضرت رسول آمده است - |
| ❖ توجه به امور تربیتی | جرات/12) |
| ❖ سلام و کسب اجازه دخول | ❖ حفظ حریم خصوصی و |
| ❖ عدم وجود مال غصبی در بنا | محرمیت (نور/27 و 28 و حجرات/12 و |
| ❖ عدم بروز تضاد اجتماعی | نور/27 و 28) |
| ❖ پرهیز از خود نمایی | ❖ توجه به مهمان در خانه |
| ❖ رعایت حریم اعضای خانواده | ❖ عدالت در خانه و با همسایه ها |
| ❖ عدم ایجاد مزاحمت | ❖ توجه به محیط زیست در خانه و محله |
| ❖ نیت پاک | ❖ صرفه جویی و عدم اسراف در خانه |

در ارتباط با شاخص های کالبدی، می توان آنها را در معیارهایی همچون امنیت، حفظ حریم، پاکي و طهارت، سلسله مراتب، ارضاء نیازهای معنوی و مادی، بهره گیری از طبیعت و حفظ آن و حفظ تمرکز وحدت با

همسایگان اشاره نمود(امین پور و همکاران،1394). بر این اساس تدابیر فیزیکی زیر در طول تاریخ در مساکن سنتی کشور دیده شده است:

- ❖ ارتفاع کوتاه ساختمان ها در مقیاس خرد و همساز با اکوسیستم در مقیاس شهر
- ❖ پرهیز از اشرف متقابل خانه ها و ایجاد محرمیت
- ❖ گسترش افقی شهر
- ❖ پرهیز از هرنوع مزاحمت همجواری بین خانه ها و فضاهای عبور و مروری
- ❖ وجود نشانه های شهری
- ❖ جداسازی کامل با مفصل بندی های متعدد و مناسب مانند هشتی، راهرو و غیره
- ❖ ساخت بنا بدون سایه اندازی روی ملک همسایه
- ❖ ایجاد آرامش و امنیت و سکون مناسب در لحاظ نمودن مقیاس های انسانی در طراحی مسکن
- ❖ مقابل سایر فضاهای شهری که به طور طبیعی شلوغ و پر از ازدحام است.
- ❖ رعایت حریم و مرزها در محدوده ساختمان
- ❖ توجه به فضاهای مناسب در خانه برای عبادت، پذیرایی از مهمانان، شستشو و حمام



شکل شماره 8- هشتی در خانه های سنتی ایرانی با بهره گیری از آموزه های اسلامی

بر این اساس، تعادل و تناسبات نیکو، متناسب با کارکردهای مطلوب اسلامی در مسکن سنتی کشور شکل گرفته است:

- ✓ عرصه بندی فضاهای مختلف داخلی، به گونه ای که برای همه افراد هم امکان فضاهای کاملاً خصوصی و هم فضای پذیرایی از مهمان را همزمان با کمترین مزاحمت در کنار هم فراهم نماید.
- ✓ در بدنه نماها، کتیبه بندی روی دیوارها، نماها را آرام می کند و تقسیمات و تناسبات دلنشین نماها در طول خود بر محور مرکزی آن تاکید می ورزند.



شکل شماره 9- نمونه هایی از نماها در خانه های سنتی ایرانی با بهره گیری از آموزه های اسلامی

✓ محور بندی و ارزش گذاری فضاهای داخلی به گونه ای که مهمترین فضاهای خانه مانند پذیرایی و نشیمن خانوادگی در محور اصلی و سپس فضاهای خصوصی در محورهای فرعی تر و نهایتاً فضاهای خدماتی در فرعی ترین محورها قرار گیرند.

✓ داشتن هندسه ای اعجاز آفرین که حرکت از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت به صورت کاملاً طبیعی و متوازن تداوم می بخشد که جانمایه نظم در طراحی است.

✓ هم آوایی بدنه ها با هندسه فضاهای عبوری، راهها و شهرها

لذا، بر اساس تمام موارد برشمرده می توان ادعا نمود که آموزه های اسلامی سعی بر آن دارند که مسکن مطلوبی را ارائه نمایند که بیشترین تطابق را با فطرت الهی انسان که همانا میل و گرایش به حقیقت، عروج به کمال، تمایل به خلاقیت، تمایل به خیر و دستیابی به فضیلت و تمایل بی پایانش به زیبایی دنیوی از یک طرف و عشق روحانی و نیاز به پرستش داشته باشد. بنابراین در مسکن مطلوب اسلامی از دیدگاه تطابق ساختارها و کارکردها، تبلور هنر، اخلاق، طبیعت، نور، رنگ، شفافیت، هندسه و تناسبات، سلسله مراتب، حریم، فضای خالی و انعطاف پذیری و غیره را شاهد هستیم.

جمع بندی و نتیجه گیری

مسکن از نیازهای اولیه هر انسان و یکی از اساسی ترین نیازهای طبیعی وی پس از غذا می باشد. لذا بشر از ابتدای خلقت تلاش در سکنی گزینی خود و خانواده اش داشته است؛ اما نه هر مسکنی. به عبارت دیگر کیفیت برای وی مهم بوده است؛ هر چند که به ویژه در کشورهای در حال توسعه حتی در حال حاضر هم معضل کمی است تا کیفی.

به هر ترتیب، اگر مسکن را مفهومی کیفی نیز پنداشته شود - همان گونه که محققین برجسته ای چون راپاپورت، شولتز، هایدگر، الکساندر و پوپر پنداشته اند - آنگاه می توان از جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی در ارتباط با مسکن و ساختارها و کارکردهای مسکن مطلوب اسلامی در سه سطح مفاهیم، الگوها و کالبد سخن راند.

در اسلام از مسکن چهار کارکرد تامین نیازهای معنوی، تامین نیازهای فیزیکی، هویت بخشی و آرام بخشی در قالب چهار حوزه کلی روانی (آرامش و امنیت)، اجتماعی (مجمع مسلمین)، آئینی (عبادتگاه) و شهری (طهارت) طلب می نماید که ساختارهای مورد توجهش نیز در قالب این کارکردها - البته متناسب با تاریخ و جغرافیا هر منطقه - نمود یافته است.

راهکارهای پیشنهادی

- 1- تعدیل نگاه صرف کمی مدیران به مقوله مسکن و توجه بیشتر به ویژگی های کیفی
- 2- توجه بیشتر بر نقش فرهنگی مسکن در برنامه ریزی های مسکن کشور منطبق بر آموزه های اسلامی
- 3- توجه بیشتر بر نقش هویت بخشی مسکن در برنامه ریزی های مسکن کشور منطبق بر آموزه های

اسلامی

منابع

- 1- ابوالقاسمی، لطیف (1383)، هنر و معماری اسلامی ایران، به کوشش علی عمرانی پور، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی
- 2- احمدی، سید وحید (1387)، آسیب شناسی بازار مسکن در ایران، تهران، انتشارات سازمان مسکن و شهرسازی
- 3- اخوت، هانیه و همکاران (1389)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات هله
- 4- اخوت، هانیه و همکاران (1390)، بازشناسی مفاهیم معنوی سکونت در مسکن سنتی اقلیم کویری، فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره پنجم، پاییز 1390، صص 95-102
- 5- اخوت، هانیه (1391)، بازشناسی مولفه های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین، دو فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1391، صص 67-86
- 6- اقبالی، رحمان و پدرام حصاری (1392)، رویکرد مدولار و پیش ساختگی در مسکن انعطاف پذیر، فصل نامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 143، پاییز 1392، صص 53-68
- 7- اکبری، نعمت الله و ناصر یارمحمدیان (1391)، تحلیل دوره های رونق و رکود سرمایه گذاری خصوصی مسکن (روش الگوی خود توضیح برداری تناوبی مارکوف)، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت شهری، شماره 30، پاییز و زمستان 1391، صص 239-252
- 8- امین پور، احمد و همکاران (1394)، بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی، فصل نامه علمی-پژوهشی مدیریت شهری، شماره 40، پاییز 1394، صص 47-60
- 9- اهری، زهرا (1370)، مسکن حداقل، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن
- 10- آقاصفیری، عارف و همکاران (1389)، ویژگیهای کمی و کیفی مسکن در بافت تاریخی شهر یزد، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 2، زمستان 1389، صص 67-82
- 11- بان، حسن (1388)، پایه مالیاتی *REIT* ها، مالیاتی نوین در بازارهای مسکن و سرمایه، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، صص 155-184
- 12- بزی، خدارحم و عباس جواهری (1390)، بررسی افتراق مکانی فضایی محله های شهر زابل در برخورداری از شاخص های
- 13- مسکن سالم، مجله علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال 22، شماره 3، پاییز 1390، صص 185-202
- 14- بمانیان، محمدرضا و همکاران (1392)، تاثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه های ایرانی-اسلامی)، فصل نامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 12، تابستان 1392، صص 89-100
- 15- بمانیان، محمدرضا (1386)، رهیافت هایی در تبیین معماری مسلمین، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

- 16- بمانیان، محمدرضا (1391)، تبیین اصول طراحی مسکن از دیدگاه قرآن کریم، صندوق حمایت از پژوهشگران
- 17- بهرامی، رحمت الله (1390)، تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 134، تابستان 1390، صص 95-104
- 18- بهشتی، سید محمد (1386)، خانه و فرهنگ ایرانی، مجله آبادی، شماره 5، صص 120-123
- 19- بهفروز، فاطمه (1356)، پژوهش در مساکن روستاییان منطقه بیابانی شرق کاشان، دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران
- 20- پرهیز، فریاد و همکاران (1391)، تحلیلی بر وضعیت مسکن در استان لرستان با استفاده از مدل های تحلیل عاملی (تاکسونومی عددی و ویلیامسون)، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، شماره 8، زمستان 1391، صص 29-42
- 21- پوردیهمی، شهرام (1390)، فرهنگ و مسکن، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 134، تابستان 1390، صص 3-18
- 22- پورمحمدی، محمدرضا (1385)، برنامه ریزی مسکن، تهران، انتشارات سمت
- 23- پیرنیا، محمدکریم و غلامحسین معاریان (1390)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، ساختمان های درون شهری و برون شهری، تهران، انتشارات سروش
- 24- تولون، بی (1374)، جغرافیای سکونت-سکونتگاههای روستایی، ترجمه محمدظاهری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز
- 25- جبل عاملی، مهسا و همکاران (1391)، اصول مفهومی طراحی خانه بر اساس حکمت اسلامی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان، صص 267-286
- 26- جعفری صمیمی، احمد و همکاران (1386)، عوامل موثر بر تعیین رفتار شاخص قیمت مسکن در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای اقتصادی ایران، سال نهم، شماره 32، پاییز 1386، صص 31-53
- 27- جوزی، سیدعلی و تانیا جعفری نسب (1393)، بررسی آثار محیط زیستی ساخت و ساز پروژه مسکن مهر شهرستان محمودآباد مازندران، فصل نامه علمی-پژوهشی محیط شناسی، دوره 40، شماره 3، پاییز 1393، صص 603-619
- 28- حاجی قاسمی، کامبیز (1383)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری ایران، تهران، انتشارات روزنه
- 29- حکمت نیا، حسن و ژینوس انصاری (1391)، برنامه ریزی مسکن شهر میبد با ریکرد توسعه پایدار، فصل نامه علمی-پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره 79، بهار 1391، صص 191-207
- 30- حکیمی، هادی (1390)، ارزیابی شاخص های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاههای غیر رسمی ایران؛ مطالعه موردی: جمشیدآباد خوی، مجله علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال 22، شماره پیاپی 44، شماره 4، زمستان 1390، صص 197-210

- 31- حیدری، حسن و امیررضا سوری (1389)، بررسی رابطه نرخ سود سپرده های بانکی و قیمت مسکن در ایران، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات اقتصادی، شماره 92، پاییز 1389، صص 65-92
- 32- خاکپور، مژگان و علی شیخ مهدی (1390)، بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت شهری، شماره 27، بهار و تابستان 1390، صص 229-246
- 33- خسروی نژاد، علی اکبر و فرزانه فتحی (1391)، بررسی وجود حباب قیمت در بازار مسکن ایران با استفاده از داده های تابلویی، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کاربردی، سال سوم، شماره 8، بهار 1391، صص 141-169
- 34- دژپسند، فرهاد و لادن محتوی (1393)، بررسی همگرایی بلندمدت قیمت مسکن در مناطق شهر تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اقتصادی، سال هشتم، شماره 26، بهار 1393، صص 77-94
- 35- رفیعیان، مجتبی و همکاران (1393)، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت سکونتی مسکن مهر؛ موردشناسی، مهرشهرزاهدان، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، شماره 12، پاییز 1393، صص 135-150
- 36- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و اکبر میرجلالی (1393)، نقش نهاد خیریه ای کمیته امداد در بهبود کیفیت فیزیکی مسکن مددجویان زیر پوشش روستایی (نمونه موردی: بخش کندوان، شهرستان میانه)، فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 46، شماره 4، زمستان 1393، صص 875-887
- 37- ستاری ساربانقلی و همکاران (1392)، الگوپذیری و پیشرفت طراحی معماری مسکن معاصر با بهره گیری از نمود تجلی سنت های حسنه پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) در ساختار فضایی خانه های سنتی ایران، دومین همایش کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- 38- ستاری ساربانقلی، حسن (1395)، بازخوانی آرمان شهر نبوی حضرت رسول اکرم (ص) در مدینه النبی برای الگوگیری در باز تعریف پایه پیشرفت شهرسازی کشور، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پایه پیشرفت
- 39- سرایی، محمدحسین (1391)، تطور سکونت شهری از مجموعه های فامیلی (محلله ای) تا بلوکهای آپارتمانی (تفاوتهای اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)، مجله علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره 10، پاییز 1391، صص 23-42
- 40- سرتیپی پور، محسن (1390)، پدیدارشناسی مسکن روستایی، فصلنامه علمی - پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 133، بهار 1390، صص 3-14
- 41- سعیدیان جزی، مریم (1394)، آداب مسکن در سیاستنامه های اسلامی ایرانی، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیشرفت ایران، گذشته، حال و آینده
- 42- سلیم حکیم، بسیم (1381)، شهرهای عربی اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- 43- سیفیان، محمد کاظم (1376)، اسراف و تبذیر در معماری، فصل نامه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره 2، صص 60-63
- 44- سیفیان، محمد کاظم (1377)، قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره 3، بهار 1377، صص 73-77
- 45- شکرگزار، اصغر (1385)، توسعه مسکن شهری در ایران، رشت، نشر حق شناس
- 46- شیروانیان، عبدالرسول و محمد بخشوده (1391)، فقر مسکن روستایی و استراتژی های مقابله با آن در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 140، زمستان 1391، صص 101-115
- 47- صارمی، حمیدرضا و مسعود صارمی (1390)، بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، فصل نامه علمی- پژوهشی مدیریت شهری، شماره 27
- 48- عسگری رابری، اباصلت و همکاران (1394)، بررسی عناصر فضایی- کالبدی تاثیرگذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزبادبالا، فریزی و آیدلیک)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال چهارم، شماره 4، زمستان 1394، صص 177-193
- 49- عکاش، سمیر (1378)، تجلی نظم جهانی و نشانه برداری از آن در معماری سنتی ایران، ترجمه علی اکبرخان محمدی، مجله صفا، شماره 28
- 50- علی آبادی، محمد و مجید هاشمی طغرالجردی (1389)، ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی (تاملی بر تاثیر قاعده فقهی لاضرر بر موارد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران)، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 1، صص 67-75
- 51- فاضلی، نعمت الله (1386)، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره 1، پاییز 1386، صص 25-36
- 52- فیاض انوش، ابوالحسن و عباسعلی سنائی راد (1391)، شاخص های کالبد و فرهنگ خانه در منابع اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی
- 53- قاسمی اردهائی، علی و ولی اله رستمعلی زاده (1391)، اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 139، پاییز 1391، صص 67-84
- 54- قنبری، ابوالفضل (1390)، تحلیلی بر نابرابری های مسکن روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در سال 1387، فصل نامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 136، زمستان 1390، صص 33-50
- 55- قنبری، نوذر (1389)، تحلیل نگرش روستائیان به مسکن ایده آل (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه)، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای سرزمین، سال هفتم، شماره 28، زمستان 1389، صص 65-78

- 56- کامران، حسن و همکاران (1391)، کاربرد پدافند غیرعامل در برنامه ریزی مسکن شهری، فصل نامه علمی-پژوهشی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال چهارم، شماره پانزدهم، زمستان 1391، صص 75-88
- 57- کشوردوست، علیرضا و همکاران (1392)، بررسی شاخص های کمی و کیفی و برآورد مسکن مورد نیاز شهر رشت در افق 1400، فصل نامه علمی-پژوهشی چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، شماره 25، زمستان 1392، صص 95-112
- 58- کمالی پور، حسام و همکاران (1391)، ترکیب شکلی و پیکره بندی فضایی در مسکن بومی: مقایسه تطبیقی عرصه بندی فضای مهمان در خانه های سنتی کرمان، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 138، تابستان 1391
- 59- گرابار، الگ (1384)، هنر، معماری و قرآن، ترجمه حسن رضایی هفتادری، دو فصلنامه اسلام پژوهی، شماره 1، صص 51-80
- 60- لطفی، عبدالقادر و همکاران (1388)، شاخص ها و مولفه های ضروری در برنامه ریزی و سیاست گذاری مسکن روستایی در ایران، فصل نامه علمی-پژوهشی آمایش محیط، شماره 7، زمستان 1388، صص 89-109
- 61- محمدی یگانه، بهروز و همکاران (1392)، نقش اعتبارات بهسازی مسکن بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زنجان، دهستان معجزات)، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 141، بهار 1392، صص 99-108
- 62- مدنی، رامین و مینو شفایی (1392)، راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره 11، پاییز و زمستان 1392، صص 153-165
- 63- مرادی ناصرخانی، بیتا (1392)، بررسی وضعیت موجود مسکن مهر و ارزیابی امکان اجرای این پروژه در محدوده بافت فرسوده (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)، فصل نامه علمی-پژوهشی پژوهش های شهری هفت حصار، سال دوم، شماره پنجم، پاییز 1392، صص 5-12
- 64- مرتضی، هشام (1387)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی
- 65- مسائلی، صدیقه (1388)، نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران، نشریه عبمب-پژوهشی هنرهای زیبا، شماره 37، بهار 1388، صص 27-38
- 66- مظلوم خراسانی، محمد و همکاران (1390)، بررسی میزان مشارکت اقتصادی-اجتماعی در تعاونی های مسکن مهر و عوامل موثر بر آن در شهر مشهد در سال 1388-89، فصل نامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی 44، شماره چهاردهم، زمستان 1390، صص 131-152
- 67- معاریان، غلامحسین و همکاران (1389)، تاثیر فرهنگ دینی بر شکل گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره 2، صص 1-25
- 68- ملکی، سعید (1390)، بررسی وضعیت شاخص های کمی و کیفی اجتماعی مسکن در شهرستان اهواز، فصل نامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره 36، زمستان 1390، صص 103-130

- 69- منجزی، نورمحمد و علی محمد رفیعی (1389)، نوشهر اسلامی و عامل عدالت (اصول و ضوابط حاکم بر احداث و ارزیابی)، همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- 70- مهدوی نژاد، محمد جواد (1383)، حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره 19، صص 57-66
- 71- نشاط، اکبر و همکاران (1392)، پیش بینی مسکن گروههای کم درآمد با تحلیل طرف عرضه و تقاضا (مطالعه موردی: شهر دامغان)، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 45، شماره 3، پاییز 1392، صص 147-168
- 72- نصر، سیدحسین (1384)، مسلمان امروزی و دگرگونی معماری محیط شهری اسلامی، فصلنامه آبادی، شماره 48
- 73- نصرالهی، خدیجه و اعظم آزاد غلامی (1392)، تحلیل تاثیر تسهیلات بانکی بر قیمت مسکن در کلان شهرهای ایران، فصلنامه روند، سال بیستم، شماره های 63 و 64، پاییز و زمستان 1392، صص 15-38
- 74- نقره کار، عبدالحمید (1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما
- 75- وثیق، بهزاد و آزاده پشوتنی زاده (1388)، مفهوم سکونت در آیات و روایات اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره 129، صص 50-65
- 76- وثیق، بهزاد و همکاران (1388)، مکان و مسکن در منظر اسلام، فصل نامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، سال اول، شماره 3، تابستان 1388، صص 93-102
- 77- وثیق، بهزاد (1395)، شناخت معماری سکونتگاه بر اساس آیات قرآن، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پایه پیشرفت

78- Bonnefoy, X (2003), *Inadequate housing and health: an overview*, *International Journal of Environment and Pollution*, 30(3), pp. 411-429

79- Buckley, R., Kalarickal, J (2005), *Housing policy in developing countries: conjectures and refutations*, *World Bank Res Obs*, pp. 233-257

80- Frimpong, A (2011), *sheltering and housing recovery after disaster: dissecting the problems of policy implementation and possible solutions*, *International Journal of Humanities and Social Science*, vol. 1, no. 20, pp. 1-12

81- Short, J. R (2006), *urban theory article assessment*, *Routledge, Newyork*

82- Westaway, M. S (2006), *a longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement*, *Doornkop, Soweto, Hobital International*, vol. 30, pp. 175-189